

## عنوان مقاله:

ارزیابی و نقد نظریه نقش گرایش های قبیله ای در شکل گیری قراء در اواخر خلافت عثمان و دوران خلافت امام علی(ع)

## محل انتشار:

مطالعات تاریخی جهان اسلام، دوره 7، شماره 13 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

شکراله خاکنرد - هیات علمی دانشگاه شیراز

مهدی اسماعیلی - دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز

## خلاصه مقاله:

قراء، گروهی از عالمان و معلمان قرآنی بودند که پس از وفات پیامبر S شکل یافته و به یکی از تاثیرگذارترین گروهها در دو سده نخست تبدیل شدند. ساختار قبیله ای جامعه عرب و عملکرد قراء در مهمترین بزنگاه های تاریخ اسلام به تحلیل کارکردهای قراء و رابطه آن با نظام قبیله ای اهمیت فزاینده ای بخشیده است. لذا بازشناسی و اثرپذیری از ساختار اجتماعی جامعه عرب و استقلال هویتی ایشان، مساله ای است که پاسخ بدان می تواند نقشی مهم در جرح و تعدیل و شناسایی یکی از مهمترین لایه های اجتماعی جامعه صدر اسلام ایفا نماید. پژوهش حاضر که در صدد نقد رویکرد قبیله محور در تبیین عملکرد قراء است، می کوشد ابتدا این دیدگاه را شرح دهد و سپس با رویکرد توصیفی- تحلیلی و مراجعه به منابع تاریخی، نقاط ضعف و قوت این نوع نگاه را نمایان سازد و به رویکردی مشخص از ماهیت و عملکرد طبقه قراء برسد. نتیجه بررسی ها نشان می دهد که قراء نه گروهی از اعراب گردآمده حول گرایش های قبیله ای، بلکه طبقه ای از جامعه اسلامی بودند که بر اساس مفاهیم قرآنی هویت خود را می شناختند. بر این اساس قراء علی رغم ساختار قدرتمند نظام قبیله ای در جامعه قرون نخستین اسلامی، خود را محدود به سنت های اجتماعی موجود نکرده و کوشیدند با حفظ استقلال عملکرد خود در عرصه های مختلف، هویت اجتماعی خویش را حول محور خوانش خود از قرآن صورت بندی نمایند.

## کلمات کلیدی:

قراء، نظام قبیله ای، ساختار اجتماعی، جامعه صدر اسلام، رویکرد قبیله محور

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1392528>

